



جمعه ۱۹ شهریور ۱۳۹۵

گزارش برنامه سینمایی هفت

مدت زیادی است که مرز بین سینمای اجتماعی و سیاه‌نمایی به محل مناقشه‌ای برای اساتید سینما بدل شده است. برای مشخص کردن این مرز دست به هر کاری زده‌اند، از مصاحبه‌های تلفنی و برنامه زنده با کارشناسان سینما گرفته تا مشورت با کارشناسان علوم اجتماعی. اما گویی این مسئله آنقدر بغرنج است که در طی این چند سال اخیر هیچ راه برون رفت و تعریف دقیقی از آن به دست نیامده است. سؤال این است، سیاه‌نمایی چیست؟ چه زمان، فیلمی اجتماعی و انتقادی است، اما سیاه نما نیست؟



گروه پژوهشی و مستندسازی آریمی



از دیانت تا پدروختگی زیر چتر سینمای اجتماعی

مدت زیادی است که مرز بین سینمای اجتماعی و سیاه‌نمایی به محل مناقشه‌ای برای اساتید سینما بدل شده است. برای مشخص کردن این مرز دست به هر کاری زده‌اند، از مصاحبه‌های تلفنی و برنامه زنده با کارشناسان سینما گرفته تا مشورت با کارشناسان علوم اجتماعی. اما گویی این مسئله آنقدر بغرنج است که در طی این چند سال اخیر هیچ راه برون رفت و تعریف دقیقی از آن به دست نیامده است. سؤال این است، سیاه‌نمایی چیست؟ چه زمان، فیلمی اجتماعی و انتقادی است، اما سیاه نما نیست؟ سؤال بسیار مهمی است. به نظر جواب آن در حال پیدا شدن است. فکر می‌کنم اگر برنامه هفت را در روز جمعه، نوزدهم شهریور ماه ۹۵ دیده باشید، با من هم رای شوید. از این‌رو این تاریخ را به صورتی دقیق بیان کردم چون این برنامه از آن برنامه‌هایی است که باید در ذهن بسپاریم. در ادامه به دو بخش مهم از این برنامه می‌پردازم و امیدوارم بتوانیم به جواب مورد نظر نزدیک شویم.

بخش اول، مصاحبه آقای افخمی با آقای علی‌رضا امینی و خانم تینا پاکروان است، همراه با مصاحبه‌هایی با خانم درخشنده و چند متخصص علوم اجتماعی. برآیند گفتگوی این سه نفر و گزارش‌های ضبط شده به شرح زیر است.

- اتویایی نیندیشید! چرا که از زمان «مانی» کسانی بودند که می‌خواستند برابری و عدالت در زمین جاری شود اما نتوانستند و این نکته را به یاد داشته باشید که اختلاف طبقاتی در همه جای دنیا وجود دارد و کاملاً امری طبیعی است. خدای نکرده باید به نوعی، طرفدار سوسیالیسمی تخیلی باشید و یا از آن آنارشیست‌های اوباش که بخواهید این نظم را بر هم بزنید.
- فیلم‌ساز وظیفه نشان دادن راه‌کار ندارد. هدف اصلی، سرگرم کردن مردم با ابزار سینما است. با موضوعات متنوع برای مردم فیلم بسازید و نیم نگاهی هم به بازارهای جهانی داشته باشید. سینمای اجتماعی در همه جای دنیا در حال محو شدن است، اگر هم کار کند پولی از آن در نمی‌آید، پس وقت خود را هدر آن ندهید. مردم را فراموش نکنید! لازم نیست به مسئولین چیزی بگویید آن‌ها خود بهتر از همه ما از مشکلات آگاه هستند. سینما برای سرگرمی است، مردم را سرگرم کنید.
- در این میان عده‌ای هم در دسته اپوزوسیون هستند و یا ادای آن را در می‌آورند که خودشان هم نمی‌دانند چه می‌خواهند. خانم درخشنده هم گفتند، آن‌هایی که به دنبال معلول می‌روند و نه علت، نتیجه کارشان سیاه‌نمایی خواهد بود.
- هسته اصلی صحبت روان‌شناس عزیزی هم که بیشتر شبیه به بازاریاب‌های شرکت msn بود از این قرار بود که اگر کسی مشکلی دارد این مشکل برمی‌گردد به ژنتیک او و یا دوران بارداری مادرش. هر کاری می‌خواهید بکنید فقط نظم موجود را به خطر نیندازید.

از شما چه پنهان که صحبت‌هایی هم راجع به گروه‌های چپ و اپوزوسیون شد که خیلی متوجه نشدم این گروه چه کسانی هستند و در کجای سینمای ایران قرار دارند. آقای افخمی گذری هم به موج نوب سینمای ایران زدند که بنده دقیق نمی‌دانم ایشان از چه چیز صحبت می‌کنند. در نهایت خانم پاکروان هم ادعا داشتند که برای مردم فیلم می‌سازند و اعتقاد داشتند که مردم از فیلم‌سازان جلوتر هستند. به نظر زمانی که فیلم ساز خبره مسائل اجتماعی در اوج پختگی خود بعد از سی سال فیلم‌سازی راه حل را در تفکر علت و معلولی می‌بیند، صحبت خانم پاکروان بی‌راه هم نیست.

بخش دوم، صحبت‌های آقایان مسعود فراستی، سعید قطبی‌زاده و همچون همیشه آقای افخمی، دن‌کیشوت سینمای ایران.

این بخش نیز به نقد کردن چند فیلم گذشت و همراه با گوشه چشمی به سینمای اجتماعی به پایان رسید. اما آقای قطبی‌زاده با چهره آراسته همیشگی و بیان دقیق خود چیزی گفت که در ذهن مخاطب بماند. در نتیجه در ذهن من ماند. فرمودند بازیگر

دخترِ فیلم «در بند»، در مواجهه با پدروختگی‌های شهر بی در و پیکر تهران ساده لوح است. «پدروختگی‌هایی که در جام

«

و

،

فیلم

فیلم

و

آریتمی